

بافت‌گردانی آیات قرآن در تاریخ جهانگشای جوینی

طاهره میرهاشمی^۱، فاطمه سلطانی^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۳/۱)

چکیده

معنای متن از منظر معنی‌شناسی کاربردی، در پیوند با بافت شکل می‌گیرد و مطالعه و درک معنی وابسته به بافت درون‌زبانی و بافت برون‌زبانی است. بر این اساس وقتی متنی از بافت اولیه خود جدا (بافت‌زدایی) و در بافتی دیگر به کار می‌رود (بازبافت‌سازی)، روابطی تازه بین متن و عناصر بافت جدید شکل می‌گیرد که در مجموع به آن بافت‌گردانی گفته می‌شود. در پژوهش حاضر بافت‌گردانی آیات قرآن در تاریخ جهانگشای جوینی بررسی شده است. دستاورد پژوهش نشان می‌دهد که جوینی در بافت‌زدایی آیات قرآن به لحاظ ساختار صوری بیشتر به بافت‌زدایی بخشی از یک آیه پرداخته و با این شیوه توانسته با حذف بافت موقعیتی آیات آنها را با هدف و منظور خود همسو کند. او در بازبافت‌سازی آیات از نظر ساختار صوری آنها را غالباً در جایگاه یکی از اجزای جمله به کار برده و از حیث اغراض کاربرد به منظور توضیح و توصیف؛ توجیه شرعی؛ بیان مواضع فکری خود و... به بازبافت‌سازی آیات قرآن پرداخته است.

کلید واژه‌ها: معنی‌شناسی، بافت، بافت‌گردانی، تاریخ جهانگشای جوینی، آیات قرآن.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران (نویسنده مسئول)؛ t-mirhashemi@araku.ac.ir
۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران؛ f-sultani@araku.ac.ir

۱- بیان مسأله

سازه‌ها و ساخت‌های درون هر متن نقشی تعیین‌کننده در کارکرد متن دارد؛ اما به سبب آنکه هر متنی در بافت متن‌های دیگر و تحت تأثیر شرایط، موقعیت و تعاملات فرهنگی و اجتماعی خاصی به کار می‌رود، کارکرد متن صرفاً بر اساس روابط درونی سازه‌ها و ساخت‌های آن مشخص نمی‌شود بلکه براساس روابط آن متن با دیگر متن‌ها و بر اساس متغیرهای تأثیرگذاری چون زمان، مکان و... مشخص می‌شود. (ساسانی، ۶۲). بر این اساس می‌توان گفت سوره‌ها و آیات کلام‌الله مجید، سازه‌ها و ساخت‌های این متن الهی است که متناسب با بافت موقعیتی عصر حضرت رسول ﷺ بر ایشان نازل شده است و مهم‌ترین کارکرد سازه‌های این متن مطابق آیات قرآن ارشاد و هدایت بشر بوده است: «الر كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (ابراهیم، ۱)؛^۱ اما همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد کارکرد متن فقط بر اساس روابط درونی سازه‌ها و ساخت‌های آن مشخص نمی‌شود بلکه بر اساس روابط آن متن با دیگر متن‌ها مشخص می‌شود. بدین لحاظ قرآن از منظر روابط بینامتنی یکی از مهم‌ترین متن‌هایی است که همواره مورد اقبال و توجه شاعران و نویسندگان مسلمان بوده است. همچنین از آنجا که قرآن معیار فصاحت و بلاغت است، شاعران و نویسندگان مسلمان با استفاده از آیات قرآن هم توانایی خود را در کاربرد لفظ‌ها، عبارات‌ها و مضمون‌های این معجزه الهی نشان می‌دادند و هم با استشهاد و تضمین از آن تأثیر سخن خود را بیشتر می‌کردند. در ادبیات فارسی تاریخ جهانگشا تألیف عظاملک جوینی (۶۲۳-۶۸۱ هـ.ق) یکی از آثاری است که به آیات الهی مزین شده است. نحوه بافت‌زدایی و بازبافت‌سازی آیات قرآن در جهانگشای جوینی مخاطب را به این باور می‌رساند که آنچه در این اثر

۱. بعضی آیات دیگری که در آنها به نقش قرآن در ارشاد و هدایت بشر اشاره شده عبارتست از: البقره، ۱۸۵؛ المائده، ۱۵؛ الانعام، ۱۵۵؛ الاسراء، ۹، ۴۱؛ النمل، ۱، ۹۲؛ یس، ۲؛ ص، ۱، ۲۹؛ الزمر، ۲۷؛ القمر، ۱۷، ۲۲، ۳۲، ۴۰؛ الحشر، ۲۱ و الحجر، ۱.

می‌خواند از غربال ذهن مورخی باورمند به فرهنگ و آموزه‌های قرآنی رد شده است. پژوهش حاضر بر آن است تا بافت‌گردانی (بافت‌زدایی و بازبافت‌سازی) آیات قرآن در جهانگشای جوینی را مورد بررسی قرار دهد و به این پرسش‌ها پاسخ دهد: ۱. فرایند بافت‌زدایی آیات قرآن در جهانگشا به لحاظ ساختار صوری و مفهومی چگونه است؛ ۲. فرایند بازبافت‌سازی این آیات از حیث ساختار صوری و اغراض بازبافت‌سازی آنها در متن جهانگشا چگونه است. پیش از پرداختن به مبحث اصلی لازم است درباره جایگاه عظاملک جوینی و اثر او - تاریخ جهانگشا - در ادبیات فارسی توضیحاتی ارائه شود.

۲. عظاملک جوینی و تاریخ جهانگشا

عظاملک جوینی از نویسندگان صاحب سبک در تاریخ ادبیات ایران است و تاریخ جهانگشای او علاوه بر این‌که از مهم‌ترین و معتبرترین کتاب‌های تاریخی بعد از حمله مغول محسوب می‌شود، به لحاظ ادبی نیز یکی از آثار برجسته در حیطهٔ نثر فنی است که «... هم از حیث اتقان مطالب و هم از بابت فصاحت و بلاغت انشاء، ضرب‌المثل است» (رستگار فسایی، ۳۸۰). تاریخ جهانگشا از همان زمان تألیف به دو دلیل مشهور بوده است:

الف) اهمیت موضوع: پرداختن به تاریخ مغول، خوارزمشاهیان و اسماعیلیه؛

ب) موقعیت نویسنده: عظاملک جوینی از بزرگان دولت مغول بوده است و اطلاعات زیادی از احوال ایشان داشته است. بسیاری از وقایع تاریخی‌ای را که در جهانگشا از آنها یاد کرده یا خود شخصاً شاهد آنها بود و یا بدون واسطه از معتمدان قوم شنیده بود؛ چراکه آباء و نزدیکان وی همه از ملازمان دولت خوارزمشاهیه و مغولان بودند.

عظاملک جوینی در تألیف جهانگشا فقط به ذکر وقایع تاریخی بسنده نکرده، نثر فنی این کتاب (با همه الزامات نثر فنی اعم از به‌کاربردن واژگان و جملات عربی، موازنه، سجع، شواهد، امثال و...) و همچنین بیان احساسات و اندیشه‌های نویسنده، این اثر را از اخباری بودن به سمت آشنایی بودن سوق داده است؛ آن‌گونه که تاریخ جهانگشا به لحاظ نوع

نوشتار گزارشی ادبی از واقعه‌ای تاریخی (حمله مغولان به ایران و تبعات بعدی آن) محسوب می‌شود. (شمیسا، ۲۱۹). یکی از ویژگی‌های این کتاب، مطابق با اسلوب نثر فنی، استفاده از آیات قرآن است. عظاملک جوینی در جای‌جای تاریخی که شرح ماوقع آن حاصل دیده‌ها، شنیده‌ها و خواننده‌های اوست، از آیات قرآن بهره گرفته است. نگارندگان در ادامه پس از ارائه مبانی نظری پژوهش، بافت‌زدایی آیات از قرآن و بازبافت‌سازی آنها در جهانگشای جوینی را بررسی خواهند کرد.^۱

۳. مبانی نظری پژوهش

۳-۱. **معنی‌شناسی:** به «مطالعه علمی معنی» گفته می‌شود و رویکردهای متنوعی دارد؛ برای مثال فیلسوفان رابطه بین واژگان و اصطلاحات زبانی را با افراد، اشیاء و وقایعی که به واسطه این واژگان و اصطلاحات به آنها اشاره می‌شود، بررسی کرده‌اند؛ زبان‌شناسان به چگونگی شکل‌گیری معنا پرداخته‌اند و انواع مختلفی برای معنا قائل شده‌اند، درباره ساختار معنایی جمله‌ها نیز مطالعاتی انجام شده است. از آنجا که فلاسفه، عالمان علم منطق و زبان‌شناسان از دیرباز به مطالعه معنی توجه داشته‌اند، می‌توان معنی‌شناسی را به سه شاخه عمده تقسیم کرد: معنی‌شناسی فلسفی (Philosophical semantics)، معنی‌شناسی منطقی (Logical semantics) و معنی‌شناسی

۱. اهمیت تاریخی - ادبی جهانگشا این متن را مورد توجه پژوهشگران قرار داده و تاکنون تحقیقات زیادی درباره هر دو بُعد این اثر انجام شده است. درباره بازتاب آیات قرآن در جهانگشا نیز پژوهش‌هایی نوشته شده که بعضی از آنها عبارتست از: مقاله «اقتباس و تضمین آیات قرآن در تاریخ جهانگشای جوینی» (۱۳۸۹) نوشته مریم محمودی؛ مقاله «بازفهم قرآن و حدیث در تاریخ جهانگشا حمله مغولان و اثر آن بر عزت نفس ایرانیان» (۱۳۹۲) از سید نیما اورازانی و مرتضی موسوی؛ مقاله «بازتاب آموزه‌های تعلیمی امثال قرآنی در تاریخ جهانگشای جوینی» (۱۳۹۲) نوشته زهرا سلیمانی؛ مقاله «بررسی شیوه‌های خاص بهره‌جویی از آیات قرآن کریم در جهانگشای جوینی و مقایسه‌ای با کتب مشابه» (۱۳۹۴) از اسماعیل تاج‌بخش و یاسر دالوند، مقاله «شیوه‌های کاربرد آیات و احادیث در تاریخ جهانگشای جوینی» (۱۳۹۵) نوشته فاطمه علیخانی و محمد میر و مقاله «نقد ترامتنی جلد اول تاریخ جهانگشای جوینی» (۱۳۹۹) از شیرزاد طایفی و نعیمه موسوی. طبق جستجوی نگارندگان مقاله حاضر با وجود این پژوهش‌ها و پژوهش‌های مشابه دیگری که به تأثیر قرآن در جهانگشا پرداخته‌اند، تاکنون تحقیقی که در چارچوب معنی‌شناسی به بررسی بافت‌گردانی آیات قرآن در این متن بپردازد، انجام نشده است.

زبانی (Linguistic semantics). (صفوی، ۲۷ - ۲۸؛ محمودزاده، ۹۴).

معنی‌شناسی زبانی بخشی از دانش زبان‌شناسی است که به مطالعه معنی در زبان اختصاص دارد و به دو نوع تقسیم می‌شود: معنی‌شناسی نظری (theoretical semantics) و معنی‌شناسی کاربردی (applied semantics). معنی‌شناسی نظری به بررسی نظری معنی در زبان می‌پردازد و در مقابل، معنی‌شناسی کاربردی به مطالعه معنی در جریان ارتباط و هنگام کاربرد زبان توجه دارد. (صفوی، ۹۸؛ همو، ۲۰ - ۲۱).

۲-۳. بافت: از منظر معنی‌شناسی به‌ویژه معنی‌شناسی کاربردی مطالعه و درک معنی وابسته به بافت درون‌زبانی (co-text) و بافت برون‌زبانی یا بافت موقعیتی (context of situation) است؛ چراکه هیچ‌کس از زبان در خلأ استفاده نمی‌کند و معنای متن در پیوند با بافت (اعم از بافت درون‌زبانی و بافت برون‌زبانی) شکل می‌گیرد. بافت درون‌زبانی فضایی است که توسط جمله‌های زبان ساخته می‌شود و بافت برون‌زبانی فضایی است که جمله‌های زبان در آن کاربرد می‌یابد. هرچند تا پیش از آغاز دهه ۱۹۷۰ زبان‌شناسان از جمله پیروان نظریه زایشی فقط به بافت درون‌زبانی توجه داشتند؛ از آغاز این دهه تحت تأثیر آرای ج. ر. فرث (J. R. Firth) و د. هایمز (D. Hymes) بافت برون‌زبانی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل دخیل در تعبیر معنی شناخته شد. فرث معتقد بود که معنای یک گفته کاری است که آن گفته در بافت می‌کند و اگر بافت گفته‌ای تغییر کند، معنای آن نیز تغییر خواهد کرد. هایمز با الگوگیری از دیدگاه فرث برای تولید جملات زبان برحسب بافت برون‌زبانی این مختصات را معرفی نمود: گوینده، شنونده، موضوع، موقعیت، مجرای ارتباطی، رمزگان، شکل پیام، رویداد، شاهدان گفتگو، ابزارهای ارزش‌گذاری و هدف از گفتگو. (صفوی، ۱۹ - ۲۱؛ مهاجر و نبوی، ۲۷). مختصات یادشده در تعبیر معنایی سخن دخیل هستند و می‌توان آنها را به‌صورت کلی به سه نوع «فرازبانی، پیرازبانی و شرکت‌کنندگان» (آقاگل زاده، ۳۹) تقسیم کرد. بر این اساس می‌توان گفت: «معنا برآیندی از همکنش پارامترهای مختلفی است که بخشی از آن درون‌متن، بخشی ناشی از بیناکنش

تولیدکننده و خوانش گر متن [شرکت‌کنندگان] و بخشی متأثر از بافت بلافصل و شرایط اجتماعی فرهنگی [عوامل پیرایه‌بانی و فرازبانی]^۱ است» (ساسانی، ۶۱-۶۲).

۳-۳. بافت‌گردانی (بافت‌زدایی و بازبافت‌سازی): متن‌ها همیشه بر اساس

متون گذشته بنا می‌شوند و هیچ متنی مستقل و خودبسنده نیست؛ بلکه هر متن پیوندی دوسویه و نزدیک با سایر متون دارد. (مکاریک، ۷۲؛ نامورمطلق، ۲۷) پیوندهای یک متن با متون دیگر در فرایند معناسازی نقش مهمی دارد؛ به‌گونه‌ای که گاه بدون توجه به این پیوند نمی‌توان برداشت مناسبی از متن داشت. ریشه دو فرایند بافت‌زدایی و بازبافت‌سازی در همین پیوند متون با یکدیگر است: «در واقع وقتی متنی از بافت نخستین خود جدا می‌شود، دچار فرآیند بافت‌زدایی می‌شود و زمانی که پس از بافت‌زدایی در بافت جدیدی قرار می‌گیرد، دچار فرآیند بازبافت‌سازی می‌شود. هر دو فرآیند نوعی بافت‌گردانی است» (ساسانی، ۱۹۷).

همان‌طور که در مقدمه گفته شد، قرآن از منظر روابط بینامتنی یکی از مهم‌ترین متن‌هایی است که همواره مورد اقبال و توجه شاعران و نویسندگان مسلمان بوده است. به بیان دیگر، قرآن از جمله پیش‌متن‌های این سخنوران بوده است. ایشان متناسب با سخن خود، آیات قرآن را از بافت اصلی (قرآن) خارج کرده و به بازبافت‌سازی این آیات در متن خویش پرداخته‌اند که توجه به این فرایند می‌تواند پژوهشگران را با زوایای جدیدی از متن آشنا کند. در ادامه جستار حاضر این مقوله (بافت‌گردانی آیات قرآن) در جهانگشای جوینی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. در اینجا ذکر نکته‌ای ضروری می‌نماید: در بافت بلافصل متن، علاوه بر مکان، زمان و شرایط اجتماعی - فرهنگی که جزو عناصر فرازبانی تأثیرگذار در معنای متن محسوب می‌شوند، عناصر پیرایه‌بانی نیز حضور دارند. «این عناصر به ضرورت یا بر حسب عادت همراه با گفتار ظاهر می‌شوند و برای تأکید بر مفاهیم، افزودن لایه‌های معنایی جدید، تعیین نگرش‌گوینده استفاده می‌شوند» (محمودزاده، ۹۴). مواردی مانند ریتم بخشیدن به جمله، کند یا سریع صحبت کردن، شدت صدا و... از عناصر پیرایه‌بانی هستند. (صفوی، ۳۳-۳۴).

۳-۴. بافت‌زدایی و بازبافت‌سازی آیات قرآن در جهانگشای جوینی:

همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد، دو فرایند بافت‌زدایی از متن مبدأ و بازبافت‌سازی در متن مقصد در مجموع بافت‌گردانی نامیده می‌شود. پس لازم است ابتدا درباره فرایند بافت‌زدایی آیاتی که در متن جهانگشا به کار رفته، بحث شود و سپس فرایند بازبافت‌سازی این آیات در تاریخ جهانگشا مورد بررسی قرار گیرد.

۳-۴-۱. بافت‌زدایی آیات از متن قرآن: جوینی ۱۸۱ آیه قرآن را بافت‌زدایی

کرده و آنها را در ۲۱۳ مورد در تاریخ جهانگشا به‌کار برده است.^۱ این آیات در مجموع متعلق به ۶۵ سوره قرآن هستند. در بین این سوره‌ها بیشترین میزان نمود در متن جهانگشا به ترتیب متعلق است به سوره‌های «بقره» (۱۷ آیه در ۲۱ مورد)؛ «انعام» (۱۵ آیه در ۱۹ مورد) و «آل عمران» (۷ آیه در ۱۲ مورد). آیاتی را که جوینی از متن قرآن بافت‌زدایی کرده، از حیث ساختار صوری و مفهومی می‌توان به انواعی تقسیم کرد که در ادامه درباره آنها توضیح داده خواهد شد.

۳-۴-۱-۱. ساختار صوری آیات بافت‌زدایی شده: به لحاظ ساختار صوری

آیاتی که جوینی از متن قرآن بافت‌زدایی کرده قابل تقسیم به دو نوع است:

الف) بافت‌زدایی کل یک آیه از متن قرآن: از مجموع ۱۸۱ آیه قرآنی که در متن جهانگشا دیده می‌شود، ۴۳ آیه به‌صورت کامل از بافت اصلی خود (متن قرآن) جدا شده و در متن جهانگشا در ۴۰ مورد نمود یافته است. این آیات متعلق به ۲۸ سوره قرآن هستند و در اغلب این سوره‌ها نیز فقط یک یا دو آیه به‌صورت کامل بافت‌زدایی شده است. برای مثال در متن جهانگشا کل آیه ۴۵ سوره انعام دو بار (جوینی، ۳۸/۱؛ ۱۴۲/۳) و کل آیه ۳۲ این سوره یک بار (همانجا، ۵۵/۱) استفاده شده است. تنها مورد استثنا در این ۲۷

۱. بعضی آیات در متن جهانگشا دو یا سه بار تکرار شده است که پژوهشگران تحقیق حاضر هر بار تکرار آیه را یکی از موارد نمود آیه در متن دانسته‌اند. همچنین وقتی دو یا سه آیه به شکل متوالی در متن قرار گرفته است، آن چند آیه را در محاسبه موارد کاربرد یکی فرض کرده‌اند. به همین دلیل در آمارهایی که در ادامه ارائه خواهد شد، گاه تعداد آیات بیش از موارد کاربرد آنها در متن است یا بالعکس.

سوره، سوره‌های عبس و واقعه است: از سوره عبس سه آیه (آیات ۳۴ تا ۳۶) و از سوره واقعه پنج آیه (آیات ۱۵-۱۶؛ ۲۰-۲۱ و ۲۴) به صورت کامل از قرآن بافت‌زدایی و در متن جهانگشا بازبافت‌سازی شده است.

ب) بافت‌زدایی بخشی از یک آیه از متن قرآن: آن‌گونه که از داده‌های پژوهش برمی‌آید، نویسنده تاریخ جهانگشا به این نوع بافت‌زدایی بیش از نوع پیشین توجه داشته است. او از این بافت‌زدایی در ۱۳۹ آیه قرآن استفاده و آنها (آیات بافت‌زدایی‌شده) را در ۱۷۳ مورد در متن جهانگشا بازبافت‌سازی کرده است. این آیات متعلق به ۵۵ سوره قرآن هستند و بیشترین نمود این نوع بافت‌زدایی در سوره‌های بقره (۱۶ آیه بافت‌زدایی شده) و انعام (۱۳ آیه بافت‌زدایی شده) مشهودست. او در ۱۲۴ آیه متناسب با متن خویش به انتخاب جمله‌ای از آن آیه پرداخته و در ۱۵ آیه نیز به گزینش ترکیب و عبارتی بسنده کرده است؛ برای مثال دو ترکیب «إِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ: نیکو نگاه داشتن» و «تَسْرِیحٌ بِإِحْسَانٍ: به شایستگی آزاد کردن» از آیه ۲۲۹ سوره بقره بافت‌زدایی و در متن جهانگشا بازبافت‌سازی شده است. (همانجا، ۲۴).

به نظر نگارندگان یکی از عمده‌ترین دلایلی که جوینی را به سوی این نوع بافت‌زدایی سوق داده، امکان حذف بافت موقعیتی آیات و همسو کردن آنها با متن جهانگشا و هدف و منظور نویسنده است؛ چرا که هر متنی شبکه‌ای در هم تنیده از بافت درون‌متنی / زبانی و برون‌متنی / موقعیتی است (ساسانی، ۱۸۴) و گره‌خوردگی بافت زبانی و موقعیتی به‌گونه‌ای است که گاه حذف بخشی از بافت زبانی منجر به حذف بافت موقعیتی می‌شود. حقیقت آن است که هرچه متنی از بافت موقعیتی خود دورتر شود، بیشتر بافت‌زدایی می‌شود و در چنین وضعیتی می‌تواند به هر مکان یا زمانی اشاره کند. (الهیان، ۴۶). جوینی نیز با استفاده از این شیوه بسیاری از آیات قرآن را همسو با متن جهانگشا کرده است. از مجموع ۱۳۹ آیه‌ای که جوینی به بافت‌زدایی بخشی از آنها پرداخته، در ۱۱۴ آیه با حذف بافت زبانی، تمام یا بخشی از بافت موقعیتی (نظیر مکان، زمان، رویداد، مشارکان موقعیت، موضوع و...)

آیه نیز حذف شده است.

۳-۱-۲. مفهوم آیات بافت‌زدایی شده: از بین مفاهیم متعددی که در قرآن

مطرح شده، جوینی متناسب با متن تاریخی جهانگشا که در آن رخدادها و وقایع برهه‌ای از روزگار بیان شده، بیشتر به بافت‌زدایی آیاتی پرداخته که شامل مفاهیمی چون الگوهای رفتاری تکرار شونده در نسل‌های مختلف، سنت‌های رایج الهی در مناسبات اجتماعی، قدرت خداوند در تعیین سرنوشت بشر، سرگذشت اقوام پیشین و... است. به نظر می‌رسد بسیاری از مفاهیم موردتوجه جوینی در بافت‌زدایی آیات، مفاهیم تأثیرگذار در جریانها و وقایع زندگی بشر و مناسبات تاریخی است. آیات بافت‌زدایی شده‌ای که در متن جهانگشا به کار رفته، به لحاظ مفهومی اغلب متعلق به این حیطه‌هاست: آیات مربوط به قدرت و حاکمیت مطلق پروردگار و همچنین قهر و عذاب الهی، آیات مربوط به ویژگی‌ها و خلق و خوی انسان و نیز سرگذشت پیشینیان، آیات مربوط به مومنان و کافران. جوینی بعد از بافت‌زدایی این مفاهیم از متن قرآن، به بازبافت‌سازی آنها برای بیان رویدادها و اتفاقات و نیز ترسیم موقعیت و جایگاه افراد پرداخته است. برای مثال در تاریخ جهانگشا نهاد قدرت با بازبافت‌سازی آیات مربوط به مؤمنان و پرهیزگاران و نیز آیات مربوط به قدرت مطلق خداوند (در تفویض حکومت به هر که خدا بخواهد) مشروع جلوه داده می‌شود و هرگونه ایستادگی و مقاومتی در برابر این نهاد با بازبافت‌سازی آیات مربوط به کافران و گناهکاران و همچنین آیات مربوط به قهر و عذاب الهی محکوم به شکست است.

۳-۱-۲. بازبافت‌سازی آیات قرآن در متن جهانگشا: همان‌گونه که پیش‌تر

گفته شد جوینی در ۲۱۳ مورد به بازبافت‌سازی ۱۸۱ آیه قرآن در متن جهانگشا پرداخته که در ادامه این نوشتار ساختار صوری و اغراض بازبافت‌سازی این آیات در متن جهانگشا مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

۳-۲-۱. ساختار صوری آیات بازبافت‌سازی شده: بازبافت‌سازی آیات

قرآن در متن جهانگشا به لحاظ ساختار صوری به دو نوع قابل تقسیم است:

الف) بازبافت‌سازی آیه در جایگاه جمله‌ای مستقل: آنگونه که از داده‌های پژوهش برمی‌آید، جوینی در ۸۷ مورد بازبافت‌سازی آیات قرآن، آنها را به‌عنوان جمله‌ای مستقل در متن جهانگشا آورده است. البته در ۷۵ مورد در بخشی که از قرآن بافت‌زدایی کرده هیچ دخل و تصرفی انجام نداده و عین آن آیه، جمله یا عبارت را به کار برده است؛ ولی در ۱۲ مورد به دخل و تصرف در بخش بافت‌زدایی شده از متن قرآن پرداخته است؛ برای مثال جوینی از آیه «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعَلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (ق، ۱۶) جمله «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» و ما از رگ گردن به او نزدیک‌تریم.» را بافت‌زدایی و با تغییر ضمیر منفصل «نحن» به «هو» و ضمیر متصل «ه» به «کم» آن را در متن جهانگشا بازبافت‌سازی کرده است: «و چون اجل دست در دامن ایشان [منظور مردم نیشابور است که به‌جای خراب کردن قلعه و گریختن از مقابل لشکر مغول به ترمیم قلعه مشغول شدند] زده بود بلکه با ایشان سر از گریبان بر کرده و هو اقرب الیکم مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ بتفرقه رضا ندادند» (۱/۱۳۵). در این مثال «و هو اقرب الیکم من حبل الوریید» جمله معترضه و مستقلی است که به توصیف نهاد (اجل) پرداخته است. در جمله معترضه مورد بحث مرجع ضمیر «هو» اجل است و چون سخن از نزدیک بودن مرگ ایشان (مردم نیشابور) است، آنچه سیاق طبیعی کلام ایجاب می‌کند، به کار بردن ضمیر متصل غایب «هم» به جای ضمیر متصل مخاطب «کم» است؛ چنین به نظر می‌رسد که هدف جوینی از به کار بردن ضمیر متصل «کم» هشدار دادن به مخاطب و یادآور شدن این حقیقت است که: مرگ نه فقط به مردم نیشابور بلکه به همه شما انسانها (در هر مکان و زمانی که باشید) از رگ گردن نزدیک‌تر است.

ب) بازبافت‌سازی آیه در جایگاه یکی از اجزای جمله: جوینی در ۱۲۶ مورد آیات قرآن را در جایگاه یکی از اجزای جمله (نهاد، مسند، مفعول، متمم، مضاف‌الیه، قید، بدل و صفت) بازبافت‌سازی کرده است؛ برای مثال در جمله «اختلاف کلمه چون در میان آن طایفه ظاهر شد در مخالفت ایشان هیچ خلاف نماند از خجالت و ندامت هر یک به زبان

حال می‌گفتند یا لیتنی کنت ترابا» (همانجا، ۴۸/۳) «یا لیتنی کنت ترابا» بخشی از آیه ۴۰ سوره نبأ است که در متن جهانگشا در جایگاه مفعول فعل «گفتند» قرار گرفته است. همچنین در جمله «و از تقریر این حکایت غلبه و قهر ایشان معلوم می‌شود بلک قدرت و هُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ مُحَقَّقٌ و مقرر گردد که از لشکری فوجی بیاید و بر چندین ملک و ملک سلاطین زند» (همانجا، ۱۱۶/۱) «و هُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ» که بخشی از آیه ۱۸ سوره انعام است، در جایگاه مضاف‌الیه واژه «قدرت» قرار گرفته است. نکته‌ای که در مثال ذکر شده و مواردی دیگر از این نوع بازبافت‌سازی آیات قرآن در تاریخ جهانگشا قابل ذکر است آن است که جوینی گاه معنی جمله‌های قرآن را در هم‌نشینی با دیگر اجزای کلام در حد یک واژه یا ترکیب تقلیل داده است. در نمونه‌ای که ذکر شد، معنی اسنادی «و هُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ» و اوست که بر بندگان خویش چیره است» (فولادوند، ۱۲۹) به ترکیب خداوند مسلط بر بندگان تبدیل شده است: ... بلکه قدرت خداوند مسلط بر بندگان محقق و مقرر گردد....

از مجموع ۱۲۶ موردی که بخش‌های بافت‌زدایی شده قرآن در جایگاه یکی از اجزای جمله در متن جهانگشا به‌کار رفته، در ۱۱۱ مورد آیه، جمله یا عبارت قرآنی بدون دخل و تصرف در ساختارِ صوری آن بازبافت‌سازی شده و ۱۵ مورد همراه با تغییر (اعم از حذف کردن یا افزودن یا تغییر دادن واژگان و حروف، تغییر دادن ضمائر، تبدیل کردن فعل به اسم فاعل، جابه‌جایی اجزای آیه و تبدیل نوع فعل) بوده است؛ برای مثال در ذکر احوال سلطان محمدخوارزمشاه و گریختن او از مقابل لشکر مغول چنین آمده است: «و سبب آنک هیچ چاره نبود سنت فرار انبیا بر فریضة خدا و جاهدوا فی سبیل الله بأموالهم و أنفُسهم تقدیم کرد» (جوینی، ۱۱۱/۲). در این جمله بخشی از آیه «أَنْفِرُوا خِفَافًا وَ ثِقَالًا وَ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (التوبه، ۴۱) از متن قرآن بافت‌زدایی و با تغییراتی به‌عنوان بدل از «فریضة خدا» در جمله فوق بازبافت‌سازی شده است؛ این تغییرات عبارت است از: تبدیل نوع فعل (از امر: جاهدوا به ماضی:

جاهدوا)، تغییر ضمیر (از مخاطب: کُم به غایب: هم) و جابه‌جایی اجزای آیه (مقدم داشتن «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» بر «بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ»).

۳-۲-۲. اغراض آیات بازبافت‌سازی شده: جوینی در بازبافت‌سازی آیات قرآن در

متن جهانگشا به ترتیب بسامد بیشتر به این اغراض پرداخته است:

الف) تشریح، توضیح و توصیف: یکی از اغراض آیات بازبافت‌سازی شده در متن جهانگشا - که در ۷۶ مورد نمود یافته - تشریح، توضیح و توصیف افراد، مکان‌ها یا موقعیت‌های گوناگون است؛ برای مثال جوینی در بخشی از جهانگشا که به ذکر احوال شرف‌الدین خوارزمی پرداخته، آورده است: «از عقوبت شکنجه و مثله ناله و تضرع مسکینان و آه دودآسای خلقان به آسمان می‌رسید نه برادر غم برادر می‌توانست خورد اگرچه بر آذرش می‌دید و نه پدر کار پسر را می‌توانست ساخت نه خویش فرا خویش می‌رسید و گر همه خونس می‌ریختند یوم یفر المرء من اخیه و امه و ایبه در آن چند روز که او آنجا مقام داشت مشاهده می‌رفت» (همانجا، ۲/۲۷۶). در مثالی که ذکر شد آیات ۳۴ تا ۳۶ سوره عبس که در متن مبدأ (قرآن) درباره سختی احوال مردم در روز قیامت است، در متن مقصد (جهانگشا) برای توصیف شدت و سختی احوال مردم قزوین که دچار ظلم و ستم شرف‌الدین خوارزمی شده بودند، بازبافت‌سازی شده است. همچنین شهر خوارزم در تاریخ جهانگشا این‌گونه توصیف شده است: «... پیش از تقلب ایام و دهور حکم بلدة طیبه و رب غفور داشت» (همانجا، ۱/۹۶). در متن مبدأ یعنی قرآن «بلدة طیبة و رب غفور» که بخشی از آیه ۱۵ سوره سبأ است، درباره قوم سبأ و سرزمین ایشان است و مجموعه نعمتهای مادی و معنوی قوم سبأ در این جمله کوتاه منعکس شده است: قوم سبأ «از نظر نعمتهای مادی سرزمین پاک و پاکیزه داشتند، پاک از آلودگی‌های گوناگون، از دزدان و ظالمان، از آفات و بلاها، از خشکسالی و قحطی، از ناامنی و وحشت و حتی گفته می‌شود از حشرات مودی نیز پاک بود. هوایی پاک و نسیمی فرح‌افزا داشت و سرزمینی حاصلخیز و درختانی پر بار و اما از نظر نعمت معنوی غفران خداوند شامل حال آنها بود» (مکارم

شیرازی، ۵۸/۱۸). جوینی برای توصیف شهر خوارزم پیش از حمله مغول جمله «بلده طیبه و ربّ غفور» را در متن مقصد یعنی جهان‌گشا باز‌بافت‌سازی کرده است.

ب) توجیّهات شرعی: جوینی در ۲۷ مورد با بازبافت‌سازی آیات قرآن به توجیه اعمال افراد گوناگون (اعم از مردم عادی، حاکمان و...) و نیز توجیه اتفاقات و وقایع پرداخته است؛ برای مثال وقتی کوچلک خان (پسر تایانک پادشاه قوم نایمان) ختن را تحت تصرف خود درآورد، اهالی ختن را مجبور کرد تا دین اسلام را رها کنند و ایشان را میان دو کار مخیّر کرد: «یا تقلّد مذهب نصاری و بت پرستی یا تلبّس بلباس ختائیان، چون تحویل بمذهب دیگر ممکن نبود از غایت اضطرار به کسوت ختائیان مکتسی گشتند قال الله تعالی فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (۴۹/۱). جوینی با بازبافت‌سازی بخشی از آیه ۱۴۵ سوره انعام به توجیه عمل ختائیان پرداخته است: ایشان ناچار برای حفظ جان جامه ختائیان بر تن کردند و همان‌طور که خداوند فرموده است «هر کس که [به انجام دادن امری حرام] ناگزیر شود و سرکش و زیاده‌خواه نباشد، قطعاً خدا آمرزنده مهربان است». (فولادوند، ۲۸۰)

جوینی برای بیان وقایع هولناک روزگار خود آن هم در پیشگاه مغولان به ناچار از گفتمانی همسو با عقاید مسلمانان سرخورده از توحش مغول استفاده کرده است. (عباسی و گیلکی، ۸۳). به همین دلیل در توجیه به قدرت رسیدن چنگیز و خاندان او بخشی از آیه «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (آل عمران، ۲۶) را بافت‌زدایی و آن را در متن جهانگشا به این صورت بازبافت‌سازی می‌کند: «و سرّ منشور توتی الملک من تشاء بر جبین دولت چنگیزخان و اولاد او مسطور و پیدا گشته چنانک مقصود تنزع الملک مِمَّنْ تشاء بر صفحات احوال معاندان او هویدا گشته» (۱۳۰/۲). آن‌گونه که از متن فوق برمی‌آید، جوینی با بازبافت‌سازی این آیه در صدد مشروعیت‌بخشی به حاکمیت مغولان بوده است: اراده خدا بر آن قرار گرفته بود که قدرت و حکومت در دست مغولان باشد؛

چراکه خداوند مالک حکومتهاست، آن (حکومت) را به هر کس بخواهد (چنگیز و خاندان او) می‌بخشد و از هر کس بخواهد (دشمنان و مخالفان چنگیز) بازمی‌ستانند.

ج) بیان معانی ضمنی: جوینی در بازبافت‌سازی آیات در ۱۸ مورد معنایی فراتر از معنای ظاهری آیات را در نظر داشته است؛ برای نمونه در بخشی که جوینی به ذکر خانان قراختای و احوال خروج و استیصال ایشان پرداخته، درباره تسلط یافتن کوچلک (پسر تایانک پادشاه قوم نایمان) بر کورخان (لقب امیران قراختای) می‌نویسد: «کوچلک دیگر باره کار را وشکرده گشته بود و مستعدّ شده چون بشنید که کور خان از لشکر بازپس آمدست و با مواضع و رعایا چه بی رسمی کرده و اکثر لشکر ازو اجتناب می‌جویند درین وقت فرصت را غنیمت دانست و بار دیگر چون برق از میغ متوجّه او شد و او را مغافصه فروگرفت قال الله تعالی أَلَمْ تَرَ أَنَا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَوَزُّهُمْ أَزًّا» (همانجا، ۹۳). معنای ظاهری این آیه (مریم، ۸۳) آن است که «آیا ندانستی که ما شیطانها را بر کافران گماشته‌ایم تا آنان را [به گناهان] تحریک کنند؟» (فولادوند، ۳۱۱) ولی آیه بازبافت‌سازی شده در متن جهانگشا بر معنایی ضمنی نیز دلالت می‌کند: کوچلک، شیطانی است که برای آزار رساندن به کافری چون کورخان گماشته شده است. نکته قابل توجه در محور مورد بحث آن است که درک معنای ضمنی آیات بازبافت‌سازی شده جهانگشا همیشه به سادگی مثال فوق نیست. در بعضی موارد به دلیل حذف بخشی از آیه در مرحله بافت‌زدایی درک معنای ضمنی بخش بازبافت‌سازی شده برای مخاطبی امکان‌پذیر است که از بخش محذوف آیه نیز مطلع باشد؛ برای نمونه جوینی در ذکر واقعه خوارزم و تصرف این شهر به دست مغولان چنین نوشته است: «محلّه بمحلّه و سرای به سرای می‌گرفتند و می‌کند و تمامت خلق را می‌کشت تا تمامت شهر مسلم شد خلائق را بصحرا راندند آنچه ارباب حرفت و صنعت بودند زیادت از صد هزار را جدا کردند و آنچه کودکان و زنان جوان بود برده کرد و به اسیری برد و باقی مردان را بر لشکر قسمت کردند هریک مرد قتال را بیست و چهار نفس مقتول رسید قال الله تعالی فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَرَقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّ

فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» (۱۰۱/۱). آیه‌ای که در این موضع بازبافت‌سازی شده بخشی از آیه ۱۹ سوره سبأ است. این آیه در متن مبدأ درباره عذابی است که خداوند به دلیل ناسپاسی و کفران نعمت بر قوم سبأ نازل کرد و معنای بخش بازبافت‌سازی شده در متن جهانگشا این است که «... پس آنها را [برای آیندگان، موضوع] حکایتها گردانیدیم و سخت تار و مارشان کردیم؛ قطعاً در این [ماجرای] برای هر شکیبایی سپاسگزاری عبرت‌هاست» (فولادوند، ۴۳۰)؛ اما مخاطبی که از معنای این آیه در متن مبدأ آگاه است می‌تواند به این معنای ضمنی برسد که جوینی مردم خوارزم را مثل قوم سبأ دانسته که در نتیجه طغیان و کفران نعمت دچار عذاب خداوند شدند. البته او در سطرهای ابتدایی «ذکر واقعه خوارزم» نیز در توصیف این شهر از بخشی از آیه ۱۵ سوره سبأ (بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبُّهَا غَفُورٌ) استفاده کرده است که می‌توان آن را در حکم تمهید و مقدمه‌ای دانست برای جهت‌دهی به ذهن مخاطب تا با تداعی ماجرای قوم سبأ سرنوشت ایشان را برای مردم خوارزم نیز در نظر بگیرد.

د) استشهداد و استناد: جوینی در ۱۷ مورد به علت‌یابی وقایع و اتفاقات یا ریشه‌یابی بعضی رفتارها، معتقدات و باورها پرداخته و برای اثبات سخنان خود به استشهداد از قرآن روی آورده است؛ برای مثال او در بخشی از جهانگشا به ذکر احوال اولاد و احفاد چنگیز پرداخته، علت غلبه ایشان بر همه جهان را موافقت و مساعدت ایشان با یکدیگر می‌داند و همچنین دلیل شکست پادشاهان دیگر را نزاع و دشمنی با هم ذکر می‌کند و در نهایت برای اثبات این ادعا به بخشی از آیه ۴۶ سوره انفال تمسک می‌جوید: «و غرض از تقریر این [پرداختن به احوال فرزندان و نوادگان چنگیز] موافقت ایشانست برخلاف آنچه از ملوک دیگر روایت است که برادر قصد برادر کند و پسر دفع پدر اندیشد تا لاجرم مقهور و مغلوب گشتند و دولت هر یک از ایشان منکوب و منکوس شد قال الله تعالی و لا تتنازعوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (۳۲/۱).

ه) بیان مواضع فکری- عقیدتی نویسنده: بازبافت‌سازی آیات در متن جهانگشا در ۱۳

مورد به منظور بیان فکر و عقیده نویسنده و موضع‌گیری وی نسبت به افراد، وقایع و رخدادها بوده است؛ برای نمونه در ماجرای لشکرکشی اوکتای قاآن به جانب سرزمین ختای (چین شمالی)، پادشاه ختای، التون‌خان، وقتی درمقابل لشکر مغول شکست می‌خورد، خود و خانواده‌اش را در آتش می‌سوزاند: «چون دانست که خشت دولت از قالب ملک بیرون رفته است و اغلب لشکر او کشته شده با جماعتی از زنان و فرزندان که با او بودند در خانه رفت و گرد بر گرد آن فرمود تا چوب نهادند و آتش درزدند تا سوخته شد خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» (همانجا، ۱۵۴). جوینی بعد از شرح ماجرا با آوردن بخشی از آیه ۱۱ سوره حج نظر منفی خود را درباره تصمیم و اقدام التون‌خان بیان کرده است: التون‌خان با مقاومت در مقابل خان مغول دنیا را از دست داده و با سوزاندن خود و خاندانش در آتش، آخرت را نیز از دست داده است که این خسران و زیانی آشکار است.

نکته‌ای که لازم است در پایان این مبحث به آن اشاره شود آنست که اغراض یاد شده، گاهی با هم تداخل دارند. از بین آیات بازبافت‌سازی شده در متن جهانگشا افزون بر موارد یاد شده، در ۱۸ مورد غرض از کاربرد آیه بیان معنای ضمنی همراه با تشریح، توضیح و توصیف (۹ مورد)، بیان مواضع فکری - عقیدتی نویسنده (۶ مورد) استناد و استشهاد (۲ مورد) و توجیه شرعی (۱ مورد) بوده است. در ۱۵ مورد غرض از کاربرد آیه بیان مواضع فکری همراه با تشریح، توضیح و توصیف (۱۳ مورد) و استناد و استشهاد (۲ مورد) بوده است.

نتایج مقاله

قرآن همواره یکی از پیش‌متن‌های مهم و موردتوجه سخنوران مسلمان بوده است. عظاملک جوینی نیز در جایگاه مورخی مسلمان از این کتاب آسمانی در نگارش تاریخ جهانگشا بهره برده است. او متناسب با سمت و سوی اثر تاریخی - ادبی‌ای که به نگارش آن مشغول بوده، آیاتی از قرآن را از بافت اصلی یعنی قرآن جدا کرده (بافت‌زدایی) و آنها

را در بافت جدید یعنی تاریخ جهانگشا قرار داده است (بازبافت‌سازی) که به این دو فرایند در مجموع بافت‌گردانی گفته می‌شود. از بررسی دو فرایند مذکور در تاریخ جهانگشا نتایج زیر حاصل شد:

۱. جوینی در بافت‌زدایی آیات از متن قرآن از حیث ساختار صوری بیشتر به بافت‌زدایی بخشی از آیه توجه داشته هرچند آیاتی را نیز به طور کامل از متن مبدأ بافت‌زدایی کرده است. چنین به نظر می‌رسد که علت توجه عمده جوینی به بافت‌زدایی بخشی از آیه امکان حذف بافت موقعیتی آیه و همسو کردن آن با متن جهانگشا و غرض نویسنده بوده است.

۲. نویسنده تاریخ جهانگشا در بازبافت‌سازی آیات به لحاظ ساختار صوری، اغلب این آیات یا جملات و عبارات را که از متن قرآن بافت‌زدایی کرده در جایگاه یکی از اجزای جمله بازبافت‌سازی کرده است؛ هرچند گاهی نیز آنها را در جایگاه جمله‌ای مستقل به کار برده است.

۳. از حیث اغراض بازبافت‌سازی آیات در متن جهانگشا بنا به مستندات پژوهش، جوینی بیشتر در صدد دستیابی به این اغراض بوده است: تشریح، توضیح و توصیف افراد، مکانها و موقعیت‌های گوناگون؛ توجیحات شرعی در بیان کردار افراد یا در ذکر اتفاقات و وقایع؛ بیان معانی ضمنی فراتر از معنای ظاهری آیات؛ استشهاد و استناد در علت‌یابی وقایع و اتفاقات یا ریشه‌یابی رفتارها و باورها و بیان مواضع فکری - عقیدتی نویسنده نسبت به افراد، وقایع و رخدادها.

کتاب‌شناسی

۱. قرآن مجید، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۴۱۸ق.
۲. الهیان، لیل، «بررسی اهمیت بافت در پژوهش‌های ادبی»، پژوهش‌های ادبی، سال ۹، شماره ۳۶ و ۳۷، تابستان و پاییز، ۱۳۹۱ش.
۳. جوینی، محمد، تاریخ جهانگشای جوینی، تصحیح محمد قزوینی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۸۲ش.
۴. خاتمی، احمد، شرح مشکلات تاریخ جهانگشای جوینی، تهران: پایا، ۱۳۸۰ش.
۵. رستگار فسایی، منصور، انواع نثر فارسی، تهران: سمت، ۱۳۸۰ش.
۶. ساسانی، فرهاد، معناکوی: به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی، تهران: علم، ۱۳۸۹ش.
۷. همو، «بافت‌گردانی و متن‌گردانی و تأثیر آنها بر کارکرد متن: مطالعه موردی نقش جهان اصفهان»، مطالعات تطبیقی هنر، سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان، ۱۳۹۱ش.
۸. شمیسا، سیروس، تاریخ تطور نثر فارسی، تهران: سمت، ۱۳۹۶ش.
۹. صفوی، کورش، فرهنگ توصیفی معنی‌شناسی، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۴ش.
۱۰. همو، درآمدی بر معنی‌شناسی، تهران: سوره مهر، ۱۳۹۰ش.
۱۱. همو، معنی‌شناسی کاربردی، تهران: همشهری، ۱۳۹۲ش.
۱۲. عباسی، حبیب‌الله و گیلکی، رضا، «تاریخ جهانگشا به مثابه گفتمان قدرت چنگیز»، دو فصلنامه زبان و ادبیات فارسی، سال ۲۶، شماره ۸۵، پاییز و زمستان، ۱۳۹۷ش.
۱۳. محمودزاده، کامبیز، فرهنگ زبان‌شناسی کاربردی، تهران: علمی، ۱۳۹۴ش.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد ۱۸، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۱۵. مکاریک، ایرنا ریما، دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه، ۱۳۸۵ش.
۱۶. مهاجر، مهراں و نبوی، محمد، به سوی زبان‌شناسی شعر، تهران: آگه، ۱۳۹۳ش.
۱۷. نامور مطلق، بهمن، درآمدی بر بینامتنیت: نظریه‌ها و کاربردها، تهران: سخن، ۱۳۹۰ش.